

نهضت مشروطیت به روایت تصویر

موسی حقانی

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ ق، دوره آي بس حساس و سرنوشت ساز در تاریخ معاصر ایران است که از آن تحت عنوان دوره مشروطیت نام برده می شود. موفقیت و پیروزی مبارزات عدالت طلبی و قانونخواهی ملت ایران در دوره آي تحقق یافت که بخش اعظم مشرق زمین در چنبره استبداد گرفتار بود. پر واضح است که موفقیت این نهضت می توانست در شکوفایی کشور ما و ملل مشرق بسیار مؤثر واقع شود و با مستحکم نمودن بنیادهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران سد محکمی در مقابل مطامع و مداخلات بیگانگان به وجود آورد.

ضرورت مبارزه با استبداد قاجار و ظلم حکام که امنیت را در تمامی شئون آن زایل کرده بود باعث شد که مراحل اولیه نهضت با صلابت و وحدتی مثال زدنی طی شود و شاه قاجار با امضای فرمان مشروطیت به حکومت مشروطه تن در دهد. در این مرحله تحصن در سفارت انگلستان که با دلایلی واهی و در غیبت رهبران نهضت صورت گرفت نقطه ضعفی محسوب می شد که تبعات ناخوشایندی در بر داشت. تشکیل مجلس و تدوین قانون اساسی حکایت از آغاز تغییرات ساختاری در حکومت قاجاری داشت که خود به موضوع اختلاف بین حسابهای مختلف تبدیل شد.

افراط غربگرایان در فروگذاشتن و نادیده گرفتن سنتها و اعتقادات مردم و ارائه طرحهایی که اساساً هیچ سختی با شرایط ایران نداشت و شیطنتهای دول بیگانه باعث شد که وحدت استبدادشکن به اختلافاتی وحدت شکن تبدیل می شود و استعداد و قوای ملت را صرف درگیریهای خانمان سوز نماید. در چنین شرایطی ظهور انجمنهای خلق الساعه، انتشار شبنامه ها و روزنامه های تندرو باعث شد که دامنه اختلافات گسترده تر شود. مفاد برخی نشریات و شبنامه ها و نیز عملکرد برخی مشروطه خواهان و انجمنهای مخفی و نیمه مخفی نشان می داد که هدف آنان از پیوستن و به عبارت بهتر نفوذ در صفوف نهضت، استقرار نظامی غربگرا در ایران و نهایتاً ادغام کشور در نظام سرمایه سالار جهانی بود. شاه جدید قاجار که همه چیز را برای خود خاتمه یافته می دید سعی کرد که با ائتلاف با برخی مشروطه خواهان میانه رو حداقل‌هایی را برای خود حفظ نماید. وی برای تحقق این امر به همراه صدراعظم خود - علی اصغر خان اتابک - حتی در جامع آدمیت که مجمعی شبه ماسونی بود حاضر شد و به دست عباسقلی خان آدمیت "به شرف آدمیت" و به عبارت رساتر "ماسونیت" نائل گشت.

ترور محمدعلی شاه توسط حیدر بمبئی (عمو اوغلی) و اتباع او، و نیز هتاکیهایی برخی مطبوعات نسبت به شاه و خانواده سلطنتی باعث شد که شاه بهانه کافی برای جمع کردن بساط مشروطه خواهان را به دست آورد. تصادم این دو نیرو منجر به تعطیلی مشروطیت، به توپ بسته شدن مجلس، حبس و شکنجه و قتل و تبعید تعدادی از مشروطه طلبان اعم از افراطی و غیرافراطی شد. دوره سلطنت محمدعلی شاه پس از به توپ بسته شدن مجلس که استبداد صغیر نامیده شده است خیلی زود در مقابل ایستادگی مردم به رهبری علمای نجف به پایان رسید. قیام تبریزیان به سرداری ستارخان را می توان آغاز فروپاشی استبداد صغیر تلقی کرد. دخالت شتابزده روس و انگلیس برای سرنگونی شاه و حرکت ائتلاف مشکوک خوانین بختیاری و گیلان و سوسیال دموکراتها به سمت تهران بیانگر وحشت آنان از افتادن زمام امور کشور به دست جریان مردمی به رهبری علمای نجف در دوره پس از محمدعلی شاه بود. دسته جات مسلح که در مسیر تهران با تجاوز به مال و جان و ناموس مردم افتضاحات فراوانی بار آورده بودند در ۲۵ تیر ۱۲۸۲ ش/ ۲۷ جمادی الثاني ۱۳۲۷ ق وارد تهران شدند.

شاه در سفارت روسیه پناه جست و اداره شهر به دست فاتحان افتاد. شادیهایی اولیه و گرفتن عکس یادگاری در پای دار و مراکز فتح شده با شرکت عناصر مختلف العقیده و حتی مستبدین سابق!! خیلی زود رنگ باخت. به سرعت جناح بندیهای جدیدی در سطح جامعه نمودار شد و دعوای انقلابی و اعتدالی جای نزاع مستبد و مشروطه طلب نشست. آشوب و ناامنی سراسر کشور را فراگرفت. دسته جات قفقازی و آرامنه بیشترین سهم را در سلب امنیت مردم مسلمان برعهده داشتند. این در حالی بود که پیرم خان مسئولیت حفظ امنیت پایتخت را عهده دار بود و به همین بهانه ستارخان را در مذب پارک اتابک سرکوب نمود.

سرنگونی محمدعلی شاه، نبودن علمای مشروطه خواه در تهران، دوری علمای نجف از ایران و سرکوب علمای مشروطه خواه در تهران، دوری علمای نجف از ایران و سرکوب علمای مشروطه خواه خلائی ایجاد کرده بود که بهترین فرصت را برای قبضه کردن امور در اختیار افراطیون و غربگرایان قرار داد. گروه گرایی و چپاول امکانات کشور، بی پروایی نشریات و شبنامه ها در تعرض نسبت به دین و شریعت اسلامی، تعرض به اموال و جان و نوامیس مردم، ترورهای سیاسی، مخالفت با احکام علمای آزادیخواه نجف، مداخلات بیگانگان، اقدامات نظامی سالارالدوله و شاه مخلوع و شعاع السلطنه وضعیتی نگران کننده ایجاد کرده بود و نهضت را از رسیدن به آرمانها و اهداف اولیه آن دور می ساخت. به این ترتیب حرکت شورانگیز و مترقی مردم مسلمان ایران در قریب یک قرن پیش با بن بست گروه گرایی و افراطی گری غربگرایان و مداخلات بیگانگان مواجه شد و از رسیدن به سرمنزل

مقصود بازماند و حرکتی که می توانست منجر به استقرار مردم سالاری دینی در ایران اسلامی گردد از استبداد رضاخانی سردرآورد .

نمایی از بستن بازار تهران که نشان دهنده گوشه ای از مبارزات مردم برای دسترسی به عدالتخانه است آغازگر تصاویر این شماره می باشد، تحصن در سفارت انگلستان، صدور فرمان مشروطیت، ظهور محمدعلی شاه و به توپ بسته شدن مجلس و فتح تهران و اوضاع شهر پس از فتح و حرکت اردوهای دولتی برای مقابله با سالارالدوله مضامین دیگری است که تصاویر انتخابی به آنها اشاره دارد. امید که موردپسند علاقمندان قرار بگیرد .



تعدادی از مشروطه خواهان



عده ای از مشروطه خواهان تبریز



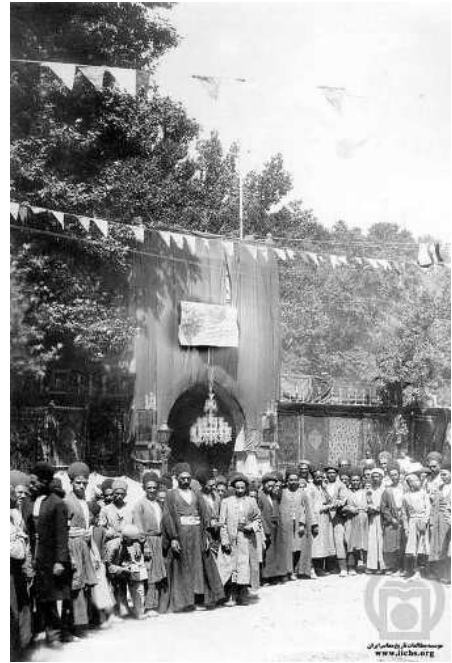
تعدادی از متحصنین در سفارت انگلستان



ورود متحصنین به سفارت انگلستان



تعدادی از مشروطه خواهان تهران



تجمع تعدادی از مردم در مقابل سفارت انگلستان



جمعی از مشروطه خواهان به هنگام تصرف مرکز مخابرات نفر چهارم از سمت راست سید ضیالالدین طباطبایی



تجمع تعدادی از مردم در مقابل سفارت انگلستان



جمعی از مشروطه خواهان به فرماندهی "حاجی میرینج"



محمدعلی شاه و جمعی از رجال و درباریان هنگام استقرار در باغشاه از راست به چپ : محمدولی آصف السلطنه، محمود علاالملک (دیبا)، مهدی قلی مجدالدوله، سید علی موق الدوله، احمد خان مشیرالسلطنه، شاهزاده مشدی (پسر کامران میرزا)، حسین قلی میرزا نصرت السلطنه (برادر محمدعلی شاه)، محمدعلی شاه قاجار، حسنعلی میرزا، اعتضادالسلطنه (پسر محمدعلی شاه)، احمد میرزا قاجار (ولیعهد)، پالکونیک لیاخوف، حسین پاشاخان، امیر بهادر، محمدعلی خان علاالسلطنه، محمدعلی خان سردار افخم (آقا بالاخان سردار)، مصطفی حاجب الدوله دولو



جمعی از مشروطه خواهان و سران و رجال مشروطیت پس از فتح تهران علیقلی خان سردار اسعد محمدولی خان و نظام الدوله در عکس دیده می شوند



تعدادی از منحصنین در سفارت انگلستان



اعتصاب بازاریان تهران در آستانه مهاجرت علما به قم در
اعتراض به اقدامات عین الدوله



جمعی از قوای دولتی به فرماندهی جعفرقلی خان
سردار بهادر در ماموریتی نظامی